

بررسی آسیب ها و تهدیدات جریان های انحرافی نوظهور در میان دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

باقرساروخانی^۱

سجاد معین فر^۲

علی معین فر^۳

راحله ساعی^۴

تاریخ وصول: ۹۳/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۵

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی آسیب ها و تهدیدات جریان های انحرافی نوظهور در میان دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی در استان آذربایجان غربی می باشد. جامعه آماری تحقیق عبارتست از دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی استان آذربایجان غربی که تعداد آن ها ۱۵۸۵۶۷ نفر، روش تحقیق پیمایشی، روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای و حجم نمونه در این تحقیق شامل ۴۲۴ نفر دانش آموز می باشد. گردآوری داده ها به وسیله پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است که ضریب پایایی پرسشنامه ۰/۸۸ می باشد. به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده گردید. عمده ترین نتایج بدست آمده به شرح زیر می باشد: بین متغیرهای مستقل (پلورالیزم دینی افراطی، انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمارگران، ناآگاهی و غفلت جوانان، اشاعه خرافات و تحجر در حوزه دین، نابسامانی اجتماعی، فشارهای روحی و روانی، جاذب کردن عرفان های کاذب، تحریفات دینی توسط مداحان، گرایش به مد گرایی) و متغیر گسترش جریان های انحرافی و نوظهور در سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه مثبت و معنی داری و با گسترش انواع موسیقی متال، رپ، راک از طریق رسانه های جمعی رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. گسترش جریان های انحرافی و نوظهور بیشتر از هر متغیر دیگری از متغیر پلورالیزم دینی افراطی متاثر است.

واژگان کلیدی: فرقه های نوظهور، نابسامانی اجتماعی، پلورالیزم دینی، خرافات، عرفان کاذب.

^۱ - استاد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

^۲ - دانشجوی دکترای جامعه شناسی - بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
Sajjadmoeinfar@gmail.com

^۳ - دانشجوی دکترای جامعه شناسی - فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

^۴ - کارشناسی ارشد جامعه شناسی

مقدمه و بیان مسأله

پدیده های اجتماعی نوعا علل چند بعدی داشته و از خاصیتی پیچیده برخوردارند. بسیاری از نا هنجاری های اجتماعی و فرهنگی ناشی از بستر وزمیننه های فکری و اجتماعی خاص است که در طول قرن ها شکل گرفته و سازمان یافته اند. مثلا موضوع مدعیان دروغین و عناوینی مانند جریان عرفان انحرافی، خرافی گرای، توسل به موهومات، امروزه به یک پدیده فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است. از این رو اعتقادات، باورها و ساختار های ذهنی، قرن های متمادی طول می کشد تا به نوعی سلوک و تعامل اجتماعی تبدیل شود و در این رهگذر عوامل مادی و معنوی زیادی نیز در شکل گیری آن اثرگذار می باشد (انبار لویی، ۱۳۸۸: ۲۵).

موضوع عرفان های دروغین از آنجا شروع می شود که پس از کنار گذاشتن دین و اعتقادات مذهبی در غرب، بحران معنویت بنیاد تمدن غرب را متزلزل کرد و زندگی به سبک غربی برای مردم غیر قابل تحمل شد. در پی این بحران های معنوی و معرفتی جنبش های دانشجویی در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ آمریکا و اروپا را فرا گرفت. این امر باعث شد تمدن غرب در صدد ترمیم خودش برآید. یعنی بعد از سال ها کنار گذاشتن دین و کوشش در جهت حذف معنویت و باور به عالم ماوراء ماده، مشکلات و بحران های روانی و اجتماعی متنوعی برای غرب پیش آمد که همه برآمده از عدم پاسخگویی مدل زندگی مدرن با نیاز های ژرف انسانی بود (مظاهری سیف، ۱۳۸۸: ۱). با وجود اینکه جهان شرق از مشکلاتی که جهان غرب در زمینه کمبود عرفان و معنویت با آن مواجه بوده مبراست و خلاء جدی در این خصوص در کشورهای شرقی مخصوصا کشور های اسلامی احساس نمی شود ولی با این وجود تهاجم فرهنگی از این ظرفیت نیز کمال استفاده را می برد و با ترویج عرفان های جدید و انسان محور سعی در بیراهه کشیدن جوانان مسلمانان را دارند (انبار لویی، ۱۳۸۸: ۲۶). بررسی های به عمل آمده در رابطه با ظهور فرق و مکاتب انحرافی از سوی الوین تافلر نشان می دهد که در دنیای موج سوم جهان غرب زندگی روزمره واقعا به طور افتضاح آمیزی کیفیت خود را از دست داده است. و میلیون ها نفر دیوانه وار در جستجوی هویتی برای خود یا به دنبال درمان معجزه آسایی هستند که شخصیتشان را مجددا وحدت بخشد و بتواند بر آنان انس و الفتی یا وجد و خلصه ای فراهم آورد، یا آنان را به مراحل «عالی تر» هوشیاری ببرد. (تافلر، ۱۳۷۸: ۵۰۵). در همین راستا در اواخر دهه ۱۹۷۰ «نهضت توانایی بالقوه بشری» از کالیفرنیا رو به شرق آمریکا و سپس به کشور های اروپایی گسترش یافت که در حدود هزاران «روش درمانی مختلف» تحت عناوین مکاتب نوظهور شامل همه رقم چیزی از روانکاوی، مذاهب شرقی، تجربه جنسی، بازی گروهی و احضار روح و احیاء زمان گذشته ابداع گردید (تافلر، ۱۳۷۸: ۵۰۶).

برنهارد شفرز طی پژوهش اکتشافی چرایی پیدایش فرقه های نو ظهور را بی روحی فرهنگی جامعه سرمایه داری غرب دانسته، و جهت گیری خدماتی جامعه مدرن صنعتی را مسئول پیدایش این مکاتب می داند و بر این باور است که علت گرایش جوانان به این فرقه ها، آزادی بیش از اندازه ای است که آنها را

بررسی آسیب ها و تهدیدات جریان های انحرافی نوظهور در میان دانش آموزان دوره متوسطه و پیش
دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

برای متصل شدن به این فرقه ها در اختیار دارند. واز سوی احساس بیگانگی از خود، همراه با ضعف های
شخصیتی «من» و کوشش برای غلبه بر این ضعف، سبب می شود که بسیاری از جوانان چاره را در
واگذاری «من» به یک فرقه جستجو کنند. فرقه نوید می دهد، نوید فرقه جرقه های احساس امنیت درونی
و بیرونی را شعله ور می کند (شفرز، ۱۳۸۳: ۱۳۳). در جامعه اسلامی ایران نیز موضوع مکاتب انحرافی یکی
از مسائل اساسی و دغدغه های مسئولین فرهنگی، سیاسی و دینی می باشد. وزارت کشور طی پژوهشی
نشان داده که استعمارگران همواره مقاومت عظیم علمای شیعه را در مقابل خودشان می دیدند. در عراق
و لبنان هم چنین مقاومت هایی را دیده بودند. این شد که استعمارگران برخورد سیاسی صرف را کنار
گذاشته و آمدند آن مایه وحدت و قوام و استقلال ملت ایرانی یعنی دریافت اسلام و تشیع را دچار تفرقه و
تشتت و انشعاب کنند و به قول خودشان جنگ های سی ساله داخلی پروتستانها و کاتولیک ها را در ایران
ایجاد نمایند و کشت و کشتار فرقه ای راه بیندازند. و در سایه تفرقه دینی، زمینه دستیابی استعمار را به
مقاصد خود فراهم نمایند. به هر حال در ایران چون حریف دین راستین اسلام نمی شدند و اسلام در مقابل
سایر فرقه ها وضعی نداشت، تصمیم گرفتند که هم خود اسلام را فرقه فرقه کنند و هم جوانان این
مرزوبوم را به فرقه های انحرافی دعوت نمایند. این است که یک دوره از ظهور فرقه های گوناگون در
عصر معاصر در جهان اسلام و ایران پیش می آید (جزوه آموزشی وزارت کشور، ۱۳۶۷: ۱۶۵). مظاهری
سیف طی تحقیقی در مورد گرایش به فرقه های انحرافی استفاده وسیع آنها از نماد ها می داند. ایشان بر
این باور است که انتقال و نشر اندیشه ها از طریق گفتن یا نوشتن دشوار است و تعداد محدودی از مردم
با آن ارتباط برقرار می کنند. اما نماد ها به راحتی جایگاه خود را در فرهنگ عمومی پیدا می کنند و به
خاطر اینکه ظرفیت کار هنری دارند، به صورت جذابی در جامعه، بخصوص بین زنان و جوانان گسترش می
یابند. نماد ها همواره حامل معنا و پیام هستند و نوعی نگرش یا فکر را تداعی می کنند و رفتار خاص را
یادآور می شوند. مثلاً مردم با دیدن گلدسته یاد مسجد و نماز می افتند. با دیدن چراغ قرمز احساس خطر
می کنند و می ایستند. فرقه های نو ظهور با استفاده وسیع از نماد ها و بکار گیری ظرفیت های هنری
نظیر گرافیک، سینما و از همه مهمتر موسیقی به عرصه آمده اند (مظاهری سیف، ۱۳۸۸: ۲).

کشوری نیز طی پژوهشی به این نتیجه رسیده که تضعیف مسئولیت پذیری اسلامی بر مبنای عرفان
های انزوا گرا، بخشی از رویکرد جدید استکبار برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران است. نامبرده بر این
عقیده است رویکرد هایی که در سی سال گذشته در برخورد با انقلاب اسلامی مطرح بوده است و در
سال های گذشته هم مورد توجه بوده است ولی امروزه دقت بیشتری نسبت به آن معطوف می شود
بحث گسترش نوعی خاص از معنویت است، که با اتکای به آن «معنویت مبارز در عرصه جهانی» از
درون به حاشیه رانده شود (کشوری، ۱۳۸۸: ۲۵). با عنایت به اینکه امروزه تحركات ویژه و برنامه ریزی شده
فرقه های رنگارنگ در سال های اخیر - که همزمان با ناامیدی دشمن در غلبه به ایران در صحنه های
نظامی و دلبستن به فعالیت های جنگ نرم است - از پایگاه جامعه شناختی نیاز به تحلیلی نو دارد. تحلیلی

که مسئولین فرهنگی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن می توانند خاستگاه و ریشه های وحدت ملی ایرانیان را پیش از گذشته تقویت نمایند. لذا این پژوهش به بررسی آسیب ها و تهدیدات جریان های انحرافی و نوظهور در میان دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی استان آذربایجان غربی می پردازد. تا از یک سو به ارزیابی علل گرایش به مکاتب نوظهور را از دیدگاه آنها بررسی کند و از سوی دیگر چگونه می توان عرفان های راستین بر مبنای دین اسلام را با ارائه راهکار های مناسب مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ترویج و انتشار فرقه های نو ظهور و انحرافی در طی سالهای اخیر در ایران و جهان، حاصل توطئه ظریف و حساب شده از سوی تشکیلات شیطانی فراماسونری جهانی و اصحاب شیطان است تا به واسطه آنها بتوانند اوراد و اذکار شیطانی را در لباس عرفان، معنویت و اعتکاف، به جوانان تزریق کنند و بدین وسیله از یک سو مانع گسترش معنویت الهی و اسلامی گردند و از سوی دیگر پرستش شیطان را در قالب تعلیمی همچون یوگا و... در بین مردم رواج دهند (مظاهری سیف، ۱۳۸۸: ۳). از سوی دیگر در امر فرقه سازی، فرقه گرایی و ظهور عرفان های انحرافی و گروههای شبه عرفانی که قارچ گونه ایجاد می شوند، بعید نیست که دست بیگانگان در کار باشد و بخواهد با به کار گیری آنان، اهداف شوم خود را در راستای تهاجم فرهنگی اجرا کنند. سابقه ذهنی مردم ما، نشان می دهد که کشورهایی مانند انگلستان و آمریکا در ایجاد جریان های انحرافی در مقابل باورهای اصیل مردم، بد طولایی دارند. فرقه «بهائیت» در ایران و «وهابیت» در عربستان که ساخته و پرداخته بریتانیا است، شاهد گویایی بر این مدعاست (مظاهری سیف، ۱۳۸۸: ۳).

از آن گذشته، شکل گیری فرقه ها و نحله های شبه عرفانی یا شبه معنوی در اروپا روبه فزونی گذاشته تا جایی که برخی، نیمه دوم قرن نوزدهم در اروپا به ویژه آمریکا را عصر انفجار فرقه ای نامیده اند (تافلر، ۱۳۷۸: ۵۱۵).

بدیهی است، این فرقه های نو ظهور وارداتی همین فرقه هایی هستند که در اروپا شکل می گیرند و سپس به کشور های دیگر صادر می شوند. از این رو باید به این نکته توجه داشت که این گروه های شبه عرفانی، ریشه در غرب دارند و بسیاری از اهداف بیگانگان را می توانند در پوشش عرفان های انحرافی، اجرا کنند و از این منظر، آنان حامل انگیزه های ضد امنیتی محسوب می شوند (وزارت کشور، ۱۳۶۷: ۱۵۷).

اما در ابعاد داخلی فقدان نگاه همه جانبه به دین و ناآگاهی به مبانی دینی، باعث شده است که برخی به دین، نگاه سطحی داشته باشند و توان تفکیک حقایق دینی را از آنچه رنگ و بوی دینی به خود گرفته اند، نداشته باشند (انبار لویی، ۱۳۸۸: ۱۲). از دیگر زمینه ها و بستر های مناسب شکل گیری فرقه های

بررسی آسیب ها و تهدیدات جریان های انحرافی نوظهور در میان دانش آموزان دوره متوسطه و پیش
دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

انحرافی تمایل ذاتی واحساس درونی افراد به معنویت وامور ماورای طبیعی وفقدان تغذیه معنوی مناسب
که بتواند نیاز معنوی آنان را تامین کند،زمینه ای را فراهم می کند که فرقه های نوظهور با جایگزین
ساختن مدل های انحرافی،افراد را جذب کنند.در نظام فرهنگی و جامعه دینی ما،بعضا حدود و ثغور
اعتقادات متقن واصیل از اعتقادات وسنت های بی ریشه وتفکرات انحرافی مشخص نشده است و به هر
دلیل،اگر عرصه نقد و بررسی افکار واندیشه ها و ایده ها کم رنگ شود،آنگاه تبادل اندیشه از رونق کافی
برخوردار نیست واتهام ناروا و زدن برچسب های ناچسب ،جایگزین منطق و استدلال می شود.در چنین
فضای،نخبگان فکری،اجتماعی،دینی نسبت به بروز و ظهور عرفان های انحرافی درپیدایش فرقه های
نوظهور بی تفاوت می شوند و خرافه گرایی گسترش وفرقه سازی،توسعه می یابد(خسرپناه
دزفولی،۱۳۸۴:۶۵).از سوی دیگر عده ای از نخبگان عوامل زمینه ساز برای بروز انحراف و گرایش
بخصوص در میان قشر جوان به سمت و سوی فرقه گرایی را عوامل زیر بر می شمارند.

ترویج و دخالت خرافات وبدعتها در حوزه دین ومراسم مذهبی از یک سو ونابسامانی و مشکلات
اجتماعی،فرهنگی،فشار های روحی،روانی و شخصیتی(خود کم بینی) افراد در جامعه از سوی دیگر می
دانند و بر این،باورندکه جاذب کردن عرفان های کاذب و بدیع کردن روش های مدعیان دروغین و
همچنین تبلیغات نادرست رسانه ها(به خصوص رسانه ملی) از مراسم مذهبی و یا تحریفاتی که از طریق
مداحی و برخی سخنرانان در عزاداری ها انجام می شود وپیرایه های که از طریق مداحان و گردانندگان
برخی هیئت ها ومتولیان برخی اماکن متبرکه که به دین بسته اند و بدنبال آن عدم دستیابی نسل جوان
به گروه ها و افراد مرجع در سطح جامعه در زمینه عرفان و معنویت اصیل و ناب موجب افزایش مکاتب
وعرفان های انحرافی در جامعه ایرانی می شود(کشوری،۱۳۸۸:۴۰).در جامعه ایران گستره جریان های
مدعی و فرقه ای از فالگیری ودعا نویسی آغاز وبه کشف و کرامات،خوابنا شدن و ارتباط پیدا کردن با
اجنه و فرشتگان تا پیامبران و ائمه معصوم(ع) ادامه می یابد تا جایی که الوهیت،پیامبری،امامت،نیابت و
جانشینی امام زمان را نیز دربر می گیرد و به این جا نیز ختم نمی شود بلکه دامنه آن به صاحبان علم و
فن،هنرو...نیز گسترش می یابد.امروزه دیگر،در فرقه سازی تنها بحث ترویج افکار انحرافی،خرافه گرایی و
توسل به موهومات مطرح نیست و تنها در قالب دین و مذهب ساختگی چون وهابیت و بهائیت تجلی
نمی یابد،بلکه به صورت فرقه های جدیدی مانند مکتب اکنکار،فالون گونگ،رام الله و کلیه گروه های
شبه عرفانی و ورزشی به نام یوگا یا انواع مدیتیشن،فن انرژی زایی،فعال سازی انرژی،هیپنوتیزم،رویا
بینی،کنترل رویا،هنر کنترل و پرورش ذهن با استفاده از حالات ذهن و هر چیز دیگر انجام می شود.لذا
این پژوهش سعی دارد با استفاده از دیدگاه های دانش آموزان در نتایج پژوهش هایی که در این زمینه
صورت گرفته است،تصویری از وضعیت مکاتب انحرافی و نوظهور در استان از یک طرف و ارائه راهکار
های جهت آگاه سازی جوانان از سوی دیگر ارائه کند.یافته های این پژوهش می تواند مورد استفاده
برنامه ریزان فرهنگی و آموزشی استان،وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد.تا علل و دلایل گسترش

مکاتب انحرافی را شناسایی نموده و نسبت به آگاه سازی جوانان اقدامات لازمه را به عمل آورد. لذا یافته های حاصل از این پژوهش می تواند مورد استفاده برنامه ریزان فرهنگی، سیاسی و امنیتی قرار گیرد و این امکان را فراهم نماید که برخی از دلایل گسترش این مکاتب انحرافی را آسیب شناسی نموده و نسبت به ارائه راهکارها جهت آگاه سازی جوانان اقدام کنند. نتایج حاصل از این کنکاش می تواند مورد استفاده برنامه ریزان و مسئولان سایر نهاد های امنیتی و فرهنگی و دینی قرار گیرد تا به آگاه سازی جوانان در جهت افکار انحرافی این فرقه ها کمک نمایند.

مروری بر مبانی نظری پژوهش

از پدیده هایی که مدت ها پیش در جامعه ما، قابل مشاهده بوده و شیوع و گسترش یافته است، فرقه های مختلف ادعایی و گرویدن گروه هایی از اقشار گوناگون خصوصاً قشر جوان به سوی آنان است. این مسئله که در ابعاد مختلف تاثیر های مهم و فراوانی دارد. نمی تواند از نظر پژوهشگران اجتماعی و دینی پنهان مانده و مورد بررسی قرار نگیرد. ابعاد سیاسی، اجتماعی، روانی، دینی و ... تاثیر پذیر از این واقعه بوده و هستند و ناگفته پیداست که بروز اینگونه فرقه ها که بیشتر جلوه و ظهور دینی دارد، همانطور که در بخش اول این کنکاش آمد مسبوق به سابقه بوده و پدیده نو نیست. اما آنچه در این امر مهم جلوه می نماید، به گفته الوین تافلر در کتاب موج سوم توجه به رشد و توسعه قارچ گونه این کیش ها، نحله ها و فرقه است (تافلر، ۱۳۷۸: ۵۱۹).

رفتارهای نوین دینی

آنچه در بحث از "رفتارهای نوین دینی" در این مقاله مورد استفاده قرار می گیرد، برگرفته از دیدگاهی است که از دهه ۱۹۷۰ مطرح شده و مورد توجه صاحب نظران حوزه جامعه شناسی دین قرار گرفته است. مروری تاریخی بر این دوره نشان می دهد دین که زمانی تمام ابعاد زندگی انسانی را دربرمی گرفته، در قرون هفدهم و هیجدهم، کم کم مورد انتقاد متفکران و روشنفکران قرار گرفته و هم زمان با دوره ای که با مباحث روشنگری و عقل محوری همراه بود، جامعه شناسان دین بیشتر به تحلیل دلایل عقب نشینی و انفعال مذهب مشغول بوده و عوامل مؤثر بر آن را عموماً در راستای تسلط عقلانیت ابزاری محض بر جامعه معرفی می کردند. بحث از سکولاریزاسیون یا همان عرفی شدن که ریشه از همین دوران دارد، از زوال و افول دین و جایگزینی آن با نظام های عینی و عقل مدار سخن به میان آورده است. نظریات مختلف سکولاریزاسیون، از تخصصی شدن، خصوصی شدن، فردگرایی و تفکیک گذار دین گفته اند که همگی دلالت بر رانده شدن مذهب از عرصه عمومی دارند اما از دهه ۱۹۷۰ با ظهور و شناخت پدیده ای با عنوان "جنبش های نوین دینی" (NMR) در جامعه شناسی آمریکا، بحث تا حد زیادی تغییر کرد و این بار به جای سخن از افول و زوال دین، حرف از "باز ترکیب امر دینی" به

بررسی آسیب‌ها و تهدیدات جریان‌های انحرافی نوظهور در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

میان آمد. در پی آن، بحث‌های جدیدی با عناوینی چون دینداری‌های جدید، معنویت‌های جدید، رفتارهای نوین دینی و... مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال خود، بحث‌های جنجالی زیادی را در عرصه عمومی به راه انداخته‌اند. در واقع، از سال‌های پایانی دهه شصت میلادی، با کاهش میزان غلبه نظریه سکولاریزاسیون که بر حذف یا به حاشیه کشیده شدن دین در دنیای مدرن تأکید داشت؛ تحول چشمگیری در حوزه جامعه‌شناسی دین به وجود آمد که اندیشمندان این عرصه آن را چرخش از پارادایم "زوال دین" به "بازگشت و بازترکیب امر دینی" نامیدند (Tschannen 1992, 351) و بر اساس آن در ادبیات جدید جامعه‌شناسی دین، سخن از "دین مدرن"، "مدرنیته دینی"، "دین مدرنیته" و "محصولات دینی مدرنیته" به میان آمد. در این عرصه، عباراتی چون "دین ناپیدا"، "دین پخش/منتشرشده" و "دین منفجرشده" طرح شد و جامعه‌شناسان برای حضور دین در عرصه عمومی، اصطلاحاتی بسیاری از قبیل "ادیان سکولار"، "ادیان تمثیلی"، "ادیان استعاره‌ای"، "ادیان بی‌شکل"، "ادیان موازی"، "موازی، دینداری‌های لایت - سبک"، "ادیان خودساخته"، "دین کدر" و... را در تبیین و تحلیل این پدیده اجتماعی به کار بردند. این دینداری‌ها که به تعبیر پییر روزانوالن، با دو ویژگی شاخص "غیر نهادینه بودن" و "جایگزین کردن خوشبختی به جای رستگاری" شناخته می‌شوند، نوعی رفتار دینی هستند که به روش‌های درمان و تمدد اعصاب نزدیک بوده و در آموزه‌های خود، مراقبه، یوگا و شعر را باهم می‌آمیزند (شریعتی، ۱۳۸۵: ۴).

لاکمن و بحث از دین ناپیدا

توماس لاکمن (۱۹۹۹) جامعه‌شناس معاصر آلمانی، در این زمینه از "دین ناپیدا" بحث می‌کند. او در تحلیل خود در مورد جامعه اروپا می‌گوید که صورت خشک و سنتی دینداری کلیسایی با انواع جدید ادیان نامرئی در مدرن‌ترین بخش‌های جامعه در حال جایگزینی است. به بیان وی، پایگاه اجتماعی دینداری کلیسایی، کوچک شده و به محیط‌های نظام مند جامعه مدرن در حال واگذاری است (لاکمن، ۱۹۹۹). در واقع، این همان پدیده‌ای است که ژان بوبرو آن را "دین پخش (منتشر) شده"، دینی که در همه جامعه انتشار یافته و منبسط شده است، معرفی کرده؛ یک جامعه‌شناس انگلیسی از آن به عنوان "دین پنهان شده" یاد کرده است. روزه باستید جامعه‌شناس فرانسوی نیز در این باره می‌گوید: «امر دینی همیشه در ادیان نیست، امر دینی از بین نمی‌رود، جابه‌جا می‌شود، امر قدسی از خانه‌اش بیرون می‌آید و در هر مکانی، هر جایی می‌تواند سکنی گزیند.» (شریعتی، ۱۳۸۵: ۶).

لاکمن دو پدیده ظهور دینداری‌های "عصر جدید" و "بنیادگرایی" را عکس‌العمل‌های مقدسی نسبت به پلورالیسم دینی به معنی بازاری از دیدگاه‌های جهانی و تفاوت‌های ساختاری که به وسیله مدرنیته معرفی شده، می‌داند و تأکید می‌کند که دینداری در این شرایط، به نوعی جدید، شخصی و گفتاری شده است. به بیان دیگر، پلورالیسم دینی باعث کاهش توجه به دینداری مرسوم و پذیرفته شده و

پیشرفت و گسترش انواع غیر رسمی آن می شود (لاکمن، ۱۹۹۹). بنابر عقیده لاکمن، "جنبش عصر جدید" که البته خود تاکید می کند هر چیزی به جز یک جنبش در صورت های پذیرفته شده جنبش های اجتماعی است؛ شامل فلسفه جدید و برنامه های متعددی است که پیشرفت روحی اشخاص را مورد توجه قرار می دهند. او می گوید آن ها بسیار تلفیقی و ترکیبی هستند. آن ها روش های گوناگون روان شناختی، روان درمانی، معجزه و علوم حاشیه ای را مانند عناصر مبهم و ناشناخته قدیمی، در کنار هم جمع می کنند، آن ها را دوباره بسته بندی کرده و برای مصارف شخصی ارائه می دهند.

وی معتقد است این موقعیت ها که آشکارا برخلاف آنچه به عنوان تخصص گرایی علم، دین، هنر و غیره گفته می شد، عمل می کنند؛ با ترکیب و تلفیق هر آنچه که به کارشان می آید، حالت های بسیار شخصی شده از عصر جدید را بیان کرده و هر آن انتخاب مقدس دیگری را ارتقاء می بخشند. وی با تاکید بر این که در عصر جدید، فردگرایی با قوت بسیار بیشتری مورد اتفاق نظر همگان است، تصریح می کند که آنچه او به عنوان پدیده "عصر جدید" معرفی می کند، در عین حال که خود یک انتخاب شخصی است ولی در نهایت متفاوت با آن چیزی است که در توحیدگرایی ادیان ابراهیمی مطرح می شود. این دینداری ها تاکید دارند که می توان روحانیت را در رسوم، مناسک ادیان مختلف جستجو کرد.

عوامل پیدایش عرفان های نوظهور از دیدگاه الوین تافلر

از منظر تافلر زندگی روزمره واقعاً بطرز افتضاح آمیزی کیفیت خود را از دست داده است. اعصاب همه خرد و داغان است. دست به یقه شدن و تیر اندازی در مترو و یا صفهای بنزین نشانگر این واقعیت است که کنترل اعصاب از دست افراد خارج شده است. میلیونها نفر از مردم به آخرین حد ظرفیتشان رسیده اند. علاوه بر آن، مردم بطور روزافزونی از دست گروهی رو به افزایش از معتادین و اوباش و آدمهای عجیب و غریب و بیماران روانی که رسانه ها رفتار ضد اجتماعی آنها را با شکوه و تحسین تصویر می کنند به جان آمده اند. ما، حداقل در غرب شاهد رؤیایپردازیهای زیان آوری درباره دیوانگی و جنون هستیم. تجلیل از قهرمان فیلم «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» («دیوانه ای از قفس پرید») را می توان به عنوان نمونه نام برد.

کتابهای پرفروش ادعا می کنند که دیوانگی یک اسطوره است و در برکلی نشریه ای پیدا می شود که به این شعار اختصاص یافته است: «جنون و نبوغ و تقدس همگی به یک حوزه تعلق دارند و باید از عنوان و اعتبار مشابهی برخوردار شوند.» (تافلر، ۱۳۷۸: ۵۰۴).

در عین حال، میلیونها نفر دیوانه وار در جستجوی هویتی برای خود یا به دنبال درمان معجزه آسایی هستند که شخصیتشان را مجدداً وحدت بخشد و بتواند برای آنان انس و الفتی یا وجد و خلسه ای فراهم آورد، یا آنان را به مراحل «عالی تر» هوشیاری ببرد (تافلر، ۱۳۷۸: ۵۰۵).

بررسی آسیب ها و تهدیدات جریان های انحرافی نوظهور در میان دانش آموزان دوره متوسطه و پیش
دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

به باور الوین تافلدر در اواخر دهه ۱۹۷۰ «نهضت توانایی بالقوه بشری» از کالیفرنیا رو به شرق امریکا
گسترش یافت که در حدود هشت هزار «روش روان درمانی مختلف» شامل همه رقم چیزی از
روانکاوی، مذاهب شرقی، تجربه جنسی، بازی گروهی و احضار روح و احیاء زمان گذشته ابداع کرده بود.
در یکی از بررسیهای انتقادی در این باره گفته شده است: «این روشها با ظرافت بسته بندی می شوند و
از این سر تا آن سر کشور تحت عناوین پویایی ذهنی، ریکا، و کنترل ذهنی سیلوا توزیع می شوند. دوره
های مکاشفه عرفانی بسان دوره های تندنویسی معمول شده است. نهضت بهداشت روانی - علمی -
مذهبی به نام دیانتیک، یک روش روان درمانی ارائه داد که بازار وسیعی پیدا کرد بطوریکه از دهه ۱۹۵۰
به بعد هیچ نهضتی به پای آن نمی رسد. در همان حال کیشهای مذهبی در امریکا رونق یافته است و
پیروان آنها برای جمع آوری اعانه یا برای جلب پیروان تازه سراسر کشور را زیر پا گذاشته اند.»
(تافلدر، ۱۳۷۸: ۱۵۵).

مهم تر از نهضت در حال گسترش توانایی بالقوه بشری، جنب اوانجلی مسیحی است. شاخه ای از
این جنبش تحت نام «تولد دیگر» که بین طبقات فقیرتر و کم سوادتر جامعه طرفدار دارد، از رادیو و
تلویزیون بنحوی شایسته بهره برداری می کند و روز بروز گسترش بیشتری می یابد. سخنرانان مذهبی
وقتی مجلس گرم می شود و به اوج خطابه خود می رسند، پیروان خود را برای نجات جامعه ای دعوت
می کنند که به نظر آنان منحط و رو به فناست.

تافلدر معتقد است برای رهایی از نحله ها و کیش های بسته بندی شده و برای ایجاد یک زندگی
عاطفی دلپذیر و یک سپهر روانی معقول و مناسب برای تمدن در حال ظهور فردا، باید سه نیاز اساسی
فرد را بشناسیم: ۱- نیاز به تعلق اجتماعی، ۲- نیاز به ساختار و ۳- نیاز به معنی. درک این نکته که
چگونه فرو ریختن جامعه موج دوم هر سه این نیازها را بدون پاسخ می گذارد، می تواند برای ما در
ساختن محیط سالم تر روانی برای خود و فرزندانمان در آینده راه گشا باشد.

در آغاز باید گفت که هر جامعه شایسته ای باید احساس تعلق اجتماعی را در افراد خود بوجود آورد.
جامعه محلی تنهایی را درمان می کند. به افراد احساس تعلق خاطر که لازمه زندگی است می بخشد. مع
هذا امروزه نهادهایی که جامعه محلی بر آنها متکی است در تمام جوامع پیشرفته تکنولوژیک در حال فرو
ریختگی است و نتیجه آن طاعون رو به گسترش تنهایی است (تافلدر، ۱۳۷۸: ۵۰۷).

به هر حال جامعه محلی به چیزی بیش از برقراری پیوندهای عاطفی بین افراد نیاز دارد. این جامعه به
رشته های محکم وفاداری و احساس تعلق بین افراد و سازمانهایی که بدان تعلق دارند احتیاج دارد.
امروزه میلیونها نفر از مصاحبت با یکدیگر محرومند و دقیقاً به همان اندازه نسبت به نهادهایی که خود
بخشی از آن هستند احساس بیگانگی و گسستگی می کنند. آنان طالب نهادهایی هستند که ارزش
احترام و محبت و وفاداری آنها را داشته باشد (تافلدر، ۱۳۷۸: ۵۰۸). تافلدر معتقد است امروزه دگرگونی
ناگهانی قوانین اساسی اجتماعی، بهم ریختگی نقشها و محو شدن تفاوت منزلتها و نامشخص شدن

حیطه اقتدار و از بین رفتن حرمت افراد و غوطه ور شدن در فرهنگ علائم راداری و بالاتر از همه فرو ریختن نظام عظیم فکری، یعنی واقعیت صنعتی، تصویر ذهنی را که بسیاری از افراد از جهان دارند در هم ریخته است. در نتیجه اغلب مردم آنچه در اطراف خود می بینند، چیزی جز آشفتگی و هرج و مرج نیست. آنان از احساس ناتوانی شخصی، درماندگی، بی هدفی و پوچی بشدت رنج می برند. تنها موقعی می توانیم یکی از حیرت آورترین پدیده های اجتماعی عصر حاضر، یعنی رواج بی سابقه کیشها و فرقه های مذهبی را درک کنیم که این سه عامل فوق یعنی تنهایی، فقدان ساختار و بی هدفی و پوچی و بی معنایی را که ناشی از زوان تمدن صنعتی است در کنار هم بگذاریم.

فرضیه ها

بین پلورالیزم دینی افراطی و گسترش جریان های انحرافی رابطه وجود دارد.
بین اشاعه خرافات و تحجر در حوزه دین و گسترش جریان های انحرافی و نوظهور رابطه وجود دارد.
بین انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمار گران و گسترش جریان های انحرافی رابطه وجود دارد.

ناآگاهی و غفلت جوانان موجب گسترش جریان های نوظهور انحرافی می شود.
بین شناخت سطحی از دین و اشاعه جریان های انحرافی رابطه وجود دارد.
بین نابسامانی اجتماعی و گسترش جریان های انحرافی رابطه وجود دارد.
بین فشار های روحی و روانی و گسترش جریان های انحرافی و نوظهور رابطه وجود دارد.
بین گسترش تکنولوژی و گسترش جریان های انحرافی و نوظهور رابطه وجود دارد.
بین جاذب کردن عرفان های کاذب و اشاعه جریان های انحرافی رابطه وجود دارد.
تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی موجب گسترش جریان های انحرافی و نوظهور می شود.

بین تحریفات دینی توسط مداحان و گسترش جریان های انحرافی رابطه وجود دارد.
بین گرایش به مد گرایی و گسترش جریان نوظهور انحرافی رابطه وجود دارد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

در این پژوهش متغیر وابسته عبارت از:

- ۱- جریان های انحرافی و نوظهور: در این پژوهش به فرقه هایی گفته می شود که مثل علف هرزه از هر سو در شکاف های رو به گسترش نظام صنعتی می روید (تافلر، ۱۳۷۸: ۵۱۷). و تحت عنوان فرقه های جدید مانند مکتب اکنکار، فالون گونگ، رام الله، یوگا، مدی تیشن، فن انرژی زایی، فعال سازی انرژی، هیپنوتیزم،

بررسی آسیب ها و تهدیدات جریان های انحرافی نوظهور در میان دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

رویابینی، کنترل رویا، هنر کنترل و پرورش ذهن و جریان های معاصر در ایران مانند وهابیت، بهائیت، صوفیه، شیخیه،... می باشد. متغیرهای مستقل عبارتند از: تحجرگرایی، سرمایه گذاری استعمارگران، ناآگاهی و غفلت جوانان، شناخت سطحی از دین، خرافات در حوزه دین، نابسامانی اجتماعی، فشار های روحی و روانی، گسترش تکنولوژی، جذاب کردن عرفان های کاذب، تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی، تحریفات دینی توسط مداحان، انگیزه های سیاسی ومدگرایی می باشد.

روش اجرای تحقیق

نوع تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس نحوه گرد آوری داده ها توصیفی از نوع پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر به صورت میدانی و کتابخانه ای می باشد. قلمرو مکانی، استان آذربایجان غربی، و قلمرو زمانی، نیمه اول سال ۱۳۹۰ است. جامعه آماری تحقیق، دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی استان آذربایجان غربی، روش نمونه گیری در این تحقیق بصورت تصادفی طبقه ای و باتوجه به فرمول کوکران حجم نمونه ۴۲۴ نفر می باشد.

یافته های پژوهش

بر اساس نتایج بدست آمده میانگین آشنایی دانش آموزان مورد مطالعه با فرقه ها و نهاد های مختلف مکاتب نوظهور به قرار زیر است

۳۰/۹۰ درصد آنها با عدد ۶۶۶۳۱/۴۳ درصد با ستاره پنج پر، ۳۴/۴۹ درصد با صلیب وارونه، ۳۸/۳۸ درصد با چشم جهان بین، ۳۲/۶۶ با سر بز شاخدار، ۳۲/۲ درصد با گروه های موسیقی متالیکا، ۳۹/۳۳ درصد با آهنگ راک، ۵۶/۳۷ درصد با موسیقی رپ، ۲۳/۳۵ درصد با مدیتیشن، ۱۵/۶۲ درصد با نماد اوشو، ۱۵/۲۱ درصد با رام الله، ۱۰/۵ درصد با اکنکار، ۱۵/۱۵ درصد با سای بابا، ۱۵/۰۳ درصد با دالایی لاما، ۱۶/۵۱ درصد با پائولو کوئلیو، ۱۶/۳۳ درصد با امو، ۱۶/۶۸ درصد با مرلین منسون، ۱۶/۶۸ درصد با ماسون، ۱۵/۹۸ درصد با عرفان حلقه و ۱۰/۹۷ درصد نیز با فالون دافا آشنایی دارند. همچنین میانگین میزان گسترش مکاتب و عرفان های نوظهور از نظر دانش آموزان مورد مطالعه ۳۰/۴۸ درصد با انحراف استاندارد ۱۳/۹۲، میانگین میزان پلورالیزم دینی افراطی از دید دانش آموزان ۴۶/۳۴ درصد با انحراف استاندارد ۱۳/۹۷ درصد، میانگین میزان انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمارگران ۷۹/۶۱ درصد با انحراف استاندارد ۱۹/۳۳ درصد، میانگین میزان ناآگاهی و غفلت در گرایش به فرقه های نوظهور از نظر دانش آموزان ۶۷/۱۳ درصد با انحراف استاندارد ۲۲/۴۲، میانگین میزان اشاعه خرافات و تحجر در حوزه دین از نظر دانش آموزان ۳۰/۷۶ درصد با انحراف استاندارد ۱۹/۵۴، میانگین میزان نابسامان اجتماعی ۴۷/۶۹ درصد با انحراف استاندارد ۱۸/۰۷، میانگین میزان تاثیر فشار های روحی و روانی در گرایش به

فرقه های نوظهور ۵۱/۶۶ درصد با انحراف استاندارد ۱۲/۸۲، میانگین میزان گسترش انواع موسیقی متال، رپ و راک از طریق رسانه های جمعی ۵۵/۵۳ درصد با انحراف استاندارد ۲۱/۷۳، میانگین تاثیر جذاب کردن عرفان های کاذب ۳۶/۳۳ درصد با انحراف استاندارد ۱۸/۵۳، میانگین میزان تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی ۵۰/۳۲ درصد با انحراف ۲۴/۴۸، میانگین میزان تحریفات دینی توسط مداحان ۴۰ درصد با انحراف استاندارد ۱۷/۴۲، میانگین گرایش به مدگرایی در بین دانش آموزان ۶۱/۱۵ درصد با انحراف استاندارد ۱۹/۶۲ و میانگین شناخت سطحی دانش آموزان مورد مطالعه از دین ۶۲/۰۹ درصد با انحراف استاندارد ۱۷/۸۷ به دست آمده است.

آزمون فرضیه تحقیق

بین متغیرهای موجود در پژوهش (پلورالیزم دینی افراطی، اشاعه خرافات و تحجر در حوزه دین ، انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمار گران، ناآگاهی و غفلت جوانان، شناخت سطحی از دین، نابسامانی اجتماعی، فشار های روحی و روانی، گسترش انواع موسیقی متال، رپ و راک از طریق رسانه های جمعی ، جذاب کردن عرفان های کاذب، تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی، تحریفات دینی توسط مداحان، گرایش به مد گرایی) گسترش جریان های انحرافی در بین دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی بین متغیرهای موجود در پژوهش با گسترش جریان های انحرافی در بین دانش آموزان

دینی	پلورالیزم دینی	انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری در حوزه دین	فشار های روحی و روانی	ناآگاهی اجتماعی	شناخت سطحی از دین	فشار های روحی و روانی	گسترش انواع موسیقی متال، رپ و راک از طریق رسانه های جمعی	جذاب کردن عرفان های کاذب	تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی	تحریفات دینی توسط مداحان	گرایش به مدگرایی
همبستگی	۰/۴۹۰	۰/۲۹۶	۰/۲۳۵	۰/۲۳۵	۰/۱	۰/۳۴۴	۰/۱۸	۰/۴۴۵	۰/۰۵۷	۰/۱۳۷	۰/۱۵۸
تکیه بر سون	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴۸	۰/۰۰۱	۰/۲۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱
سطح معنی داری	۰/۲۴	۰/۰۸۷	۰/۱۰۵	۰/۰۵۵	۰/۰	۰/۱۱۹	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸	۰/۰۲۵
ضریب تعیین	۰/۲۴	۰/۰۸۷	۰/۱۰۵	۰/۰۵۵	۰/۰	۰/۱۱۹	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸	۰/۰۲۵
حجم نمونه	۴۲۴	۴۲۴	۴۲۴	۴۲۴	۴۲	۴۲۴	۴۲۴	۴۲۴	۴۲۴	۴۲۴	۴۲۴

گسترش جریان های انحرافی

بر اساس نتایج بدست آمده از جدول فوق ملاحظه می شود که تمامی متغیرهای موجود در پژوهش (به جز شناخت سطحی از دین و تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی) با گسترش جریان های انحرافی نوظهور در بین دانش آموزان رابطه معنی داری دارند. بطوریکه پلورالیزم دینی افراطی با گسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = ۰/۴۹۰$ با $p = ۰/۰۰۱$)، اشاعه خرافات و

بررسی آسیب ها و تهدیدات جریان های انحرافی نوظهور در میان دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

تحرر در حوزه دین باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/296$) با سطح معنی داری $0/001$ ، انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمارگران باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($p = 0/325$) با سطح معنی داری $0/001$ ، ناآگاهی و غفلت جوانان باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/235$) با سطح معنی داری $0/001$ ، شناخت سطحی از دین باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/001$) با سطح معنی داری $0/861$ ، نابسامانی اجتماعی باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/344$) با سطح معنی داری $0/001$ ، فشارهای روحی و روانی باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/184$) با سطح معنی داری $0/001$ ، گسترش انواع موسیقی متال، رپ و راک از طریق رسانه های جمعی باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = -0/096$) با سطح معنی داری $0/048$ ، جذب کردن عرفان های کاذب باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/445$) با سطح معنی داری $0/001$ ، تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/057$) با سطح معنی داری $0/24$ ، تحریفات دینی توسط مداحان باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/137$) با سطح معنی داری $0/005$ ، گرایش به مد گرایی باگسترش جریان های انحرافی نوظهور ($r = 0/158$) با سطح معنی داری $0/001$ ($p =$) رابطه وجود دارد.

مدل رگرسیونی "گسترش جریان های انحرافی و نوظهور"

جدول ۲: تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیری "گسترش جریان های انحرافی و نوظهور"

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی تعدیل شده	اشتباه معیار	F	سطح معنی داری P
انورگرسیون	۷	۳۱۶۶۲/۱۷۹		۰/۶۲۲	۰/۳۸۶	۰/۳۷۶	۱۰/۹۹	۳۷/۴۲۶	۰/۰۰۰
		۴۵۲۳/۱۶۸							
باقی مانده	۴۱۶	۵۰۲۷۶/۲۰۶						۱۲۰/۸۵۶	
کل	۴۲۳	۸۱۹۳۸/۳۸۴							

در این مدل کلیه عوامل موثر (متغیرهای مستقل: پلورالیزم دینی افراطی، انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمارگران، ناآگاهی و غفلت جوانان، اشاعه خرافات و تحرر در حوزه دین، نابسامانی اجتماعی، فشارهای روحی و روانی، گسترش انواع موسیقی متال، رپ، راک از طریق رسانه های جمعی، جذب کردن عرفان های کاذب، تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی، تحریفات دینی توسط مداحان، گرایش به مد گرایی، شناخت سطحی از دین) به روش *Step Wise* وارد معادله شدند. در مدل نهایی فقط هفت متغیر در معادله باقی ماند که همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود ضریب نهایی رگرسیون چند گانه $M.R = 0/622$ و $M.R = 0/386$ یعنی ضریب تعیین $R^2 = 0/386$ می

باشد. همچنین ضریب تعیین تصحیح شده برابر $0/376$ می باشد بنابر این به صورت واقعی و تعدیل یافته $37/6$ درصد از واریانس گسترش جریان های انحرافی و نوظهور توسط متغیرهای مستقل تبیین و پیش بینی می شود. همچنین از نتایج رگرسیونی در جدول ۲ ملاحظه می شود $P < 0/001$ و $37/426$ $F(7,416) =$ این یافته فرضیه کلی پژوهش را تایید می کند. یعنی بین متغیرهای مستقل (پلورالیزم دینی افراطی، انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمارگران، ناآگاهی و غفلت جوانان، اشاعه خرافات و تحجر در حوزه دین، نابسامانی اجتماعی، فشارهای روحی و روانی، گسترش انواع موسیقی متال، رپ، راک از طریق رسانه های جمعی، جاذب کردن عرفان های کاذب، تبلیغات نادرست رسانه های جمعی از مراسم مذهبی، تحریفات دینی توسط مداحان، گرایش به مد گرایی، شناخت سطحی از دین) و متغیر گسترش جریان های انحرافی و نوظهور در سطح اطمینان $0/99$ رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

جدول ۳: ضرایب رگرسیونی مربوط به فرضیه کلی فوق

مدل	ضرایب غیر استاندارد		t	سطح معنی داری
	Beta	Std. Error		
عدد ثابت	9/278	4/111	2/257	0/025
پلورالیزم دینی افراطی	0/309	0/043	7/221	0/000
جاذب کردن عرفان های کاذب	0/120	0/036	3/371	0/001
نابسامانی اجتماعی	0/113	0/034	3/341	0/001
انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمارگران	0/087	0/032	2/758	0/006
اشاعه خرافات و تحجر در حوزه دین	0/086	0/029	2/964	0/003
فشارهای روحی و روانی	0/098	0/044	2/235	0/026
ناآگاهی و غفلت جوانان	-0/055	0/027	-2/057	0/040

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند گانه متغیرهای موجود در معادله را می توان به صورت استاندارد شده و در رابطه ریاضی زیر نشان داد

$$9/278 + 0/309(\text{ناآگاهی و غفلت جوانان}) - 0/088(\text{فشارهای روحی و روانی}) + 0/091(\text{انگیزه های سیاسی و سرمایه گذاری توسط استعمارگران}) + 0/121(\text{اشاعه خرافات و تحجر در حوزه دین}) + 0/113(\text{نابسامانی اجتماعی}) + 0/146(\text{جاذب کردن عرفان های کاذب}) + 0/160(\text{پلورالیزم دینی افراطی}) = 0/311(\text{گسترش جریان های انحرافی و نوظهور})$$

همان طور که در معادله فوق مشاهده می شود گسترش جریان های انحرافی و نوظهور بیشتر از هر متغیر دیگری از متغیر پلورالیزم دینی افراطی متاثر است.

بررسی آسیب‌ها و تهدیدات جریان‌های انحرافی نوظهور در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای موجود در پژوهش (به جز شناخت سطحی از دین و تبلیغات نادرست رسانه‌های جمعی از مراسم مذهبی) با گسترش جریان‌های انحرافی نوظهور در بین دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری دارند. گسترش جریان‌های انحرافی و نوظهور بیشتر از هر متغیر دیگری از متغیر پلورالیزم دینی افراطی متأثر است.

این یافته‌ها با نظریات الوین تافلر و شفرز که معتقد به رشد و توسعه قارچ‌گونه کیش‌ها و نحله‌ها و آزادی بیش از اندازه جوانان در دنیای معاصر است همخوانی دارد. همچنین با نظرات خسرو پناه دزفولی و کشوری که بی‌تفاوتی نخبگان جامعه و گسترش خرافات را در توسعه فرقه‌های انحرافی موثر می‌داند.

یافته‌های پژوهش با نتایج تحقیقات وزارت کشور در سال ۱۳۶۷ که استعمارگران همواره مقاومت عظیم علمای شیعه را در ایران مقابل خودشان می‌دیدند به راحتی نمی‌توانستند اهداف خود را به صورت علنی و سرمایه‌گذاری شده در راستای گسترش فرق نوظهور به انجام برسانند همخوانی دارد. هر تحقیق علمی علاوه بر انجام رسالت خود، ضرورتاً نیاز به ارائه طریق و پیشنهاد است در مورد موضوع مورد مطالعه و موارد مشابه است تا راهنما و چراغ راه دیگر افراد علاقمند که احتمالاً در آینده در آن راه قدم گذاشته و یا از نتایج بدست آمده استفاده می‌نمایند باشد. بر این اساس پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد.

پیشنهادات

- با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش که رواج خرافات و آنچه رنگ بوی دینی به جای حقایق دینی به خود گرفته پیشنهاد می‌شود مراکز تحقیقات دینی نگاه همه‌جانبه به دین داشته و دین را به صورت کارشناسی شده از مسائل سطحی تمیز دهند و برای آگاهی طبقه جوان بین حقایق واقعی دینی و آنچه رنگ و بوی دینی به خود گرفته تفکیک قائل شوند.

- اندیشمندان دینی باید در نظام فرهنگی جامعه ما حدود و ثغور اعتقادات متقن و اصیل را از اعتقادات و سنت‌های بی‌ریشه و تفکرات انحرافی بدون واهمه مشخص کنند و عرصه نقد و بررسی افکار و اندیشه‌ها و ایده‌ها را در راستای تبادل اندیشه در بین جوانان رونق دهند و بجای اتهام ناروا و زدن برچسب‌های ناچسب به جوانان بر اساس آیه قرآن که خداوند می‌فرماید اگر راستگو هستید برهان و دلیل خود را بیاورید منطقی و استدلال را نهادینه نمایند.

- با توجه به نتایج پژوهش حاضر که یکی از مهمترین دلایل گرایش به مکاتب انحرافی نوظهور از سوی جوانان تحریفاتی که از طریق مداحان و برخی سخنرانان در عزاداری‌های از دین انجام می‌گیرد لازم است. زمینه‌های تعامل درست نسل جوان با گروه‌ها و افراد دیندار حقیقی و مرجع در سطح جامعه در

زمینه عرفان و معنویت اصیل و ناب فراهم گردد. و گروه های فوق الذکر خصوصیات عرفان حقیقی را برای نسل تشنه به معنویت را بیان کنند. توصیه می شود

الف: خصوصیات عرفان حقیقی که عبارتند از ۱- یاد خدا ۲- پرهیز از فرقه گرایی ۳- صراحت بیان و اجتناب از ابهام گویی ۴- تاکید بر ریاضت های شرعی ۵- ناشناخته بودن ۶- محبت به همه انسانها ۷- محبت سنت به همه آفریده های عالم ۸- زیبا دیدن همه چیز ۹- مرگ اندیشی

ب: وظیفه اصلی مبلغین دین اسلام برگرداندن میراث علمی و فرهنگی اسلام به زبان روز، و پیاده کردن همه آن مفاهیم عالی از طریق زبان «عصری» در روح و جان و عقل نسل جوان باشد.

ج: مراکز دینی مفاهیم دینی را در زندگی نسل جوان امروزی عملیاتی کنند، بصورتی که اعمال و اذکار دین با زندگی امروزی مردم گره بخورد و دین در بطن زندگی انسانها نشان داده شود، در این صورت مطمئنا پذیرش آموزه های دین برای همگان آسان و لذت بخش خواهد شد. همچنین دادن دستوراتی کاربردی در زندگی مردم، که مانع دور شدن آنها از خدا و آموزه های دینی شود.

د: تقویت و توسعه مراکز دینی در مناطق مختلف استان، هر جا که مراکز دینی فعال باشند و افکار و اعتقادات دینی را اشاعه دهند، راه نفوذ چنین فرقه های بسته خواهد شد.

- آگاه سازی نسل جوان در خصوص روش ها و شیوه های فریبنده و کاذب و حرام مکاتب انحرافی کمک شایان توجهی به حل مساله می کند. که در این راستا وظیفه فضلا و عالمان عرصه دین بسیار سنگین می باشد و مجاهدت عظیمی را می طلبد. اندیشمندان دینی ما باید جهل زدایی کنند، یکی از مهمترین علل و عوامل جهل و نادانی افرادی که به فرقه های کاذب و دروغین گرایش دارند، جهل به عرفان حقیقی و همین طور نا آگاهی نسبت به همین فرقه های نوظهور است. باید با شناخت حقیقی هم از دین اسلام و هم از فرقه های نوظهور به صورت شیوه علمی انحرافات فرقه های کاذب را به نسل جوان ارائه نماییم.

- با توجه به اینکه بسیار از جوانان از روی نا آگاهی از پوشش ها، موسیقی ها و برخی اعمال و رفتار این گونه فرقه ها استفاده می کنند، بهتر است با روشنگری ها و آموزش هایی که به آنان داده می شود راه هرگونه تقلید از این مسلک ها را بست. چه بسا تقلید کورکورانه و نا آگاهانه به مرور موجب جذب افراد به این افکار و اعتقادات شود.

- آموزش به دانش آموزان مدارس: از آنجا که کشور ما کشور جوانی است و جوانان و دانشجویان از سرمایه های عظیم این مرز و بوم محسوب می شوند، دشمنان همواره تلاش می کنند با تبلیغات منفی و ایجاد شبهه در اعتقادات و افکار آنان به اهداف شوم خود دست پیدا کنند. در چنین فضای شبهه آلودی است که به راحتی می توان بسیاری افکار التقاطی و منافی با شرع را به خورد جوانان داد. با توجه به اینکه بسیار از جوانان از روی نا آگاهی از پوشش ها، موسیقی ها و برخی اعمال و رفتار این گونه فرقه ها استفاده می کنند، بهتر است با روشنگری ها و آموزش هایی که به آنان داده می شود راه هرگونه تقلید از این

بررسی آسیب‌ها و تهدیدات جریان‌های انحرافی نوظهور در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی در استان آذربایجان غربی

مسئله‌ها را بست. چه بسا تقلید کورکورانه و ناآگاهانه به مرور موجب جذب افراد به این افکار و اعتقادات شود.

- برگزاری دوره‌های آشنایی با فرقه‌های ضاله: برای بالابردن سطح آگاهی مردم و جوانان برگزاری دوره‌های آشنایی با این فرقه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش با برگزاری این دوره‌ها در تمامی مدارس متوسطه، برای تمامی دانش‌آموزان اقدام به روشنگری کند. لزوم برگزاری چنین دوره‌هایی برای والدین از طریق انجمن اولیا و مربیان بیشتر توصیه می‌شود. زیرا پدر و مادر و خانواده نقش بسیار مهمی در جلوگیری از انحراف فرزندان در سطح اجتماع دارند.

- ارائه الگوهای مناسب دینی به جامعه: غالب فرقه‌ها و مکاتب گمراه با عرضه شخصیت‌های کاریزماتیک به اجتماع و بیان سخنان جذاب از سوی آنان توانسته‌اند مخاطبان بسیاری را به سمت خود جلب کنند. برای مقابله با این حرکت، علما و نخبگان جامعه نیز با انجام اقدامات مشابه می‌توانند شخصیت‌های عرفانی و دینی را که در تاریخ اسلام کم نیستند و برخی نیز در حال حاضر در جامعه اسلامی در حال فعالیت هستند به مردم معرفی کنند.

- جلوگیری از واردات، تولید و فروش علائم و نشانه‌های فرقه‌های ضاله در کشور: در حال حاضر در بازارهای کشور شاهد عرضه و فروش بسیاری از اقلام و نشانه‌های فرقه‌های ضاله در کشور هستیم که بسیاری از مردم نیز بدون اطلاع از مفهوم این نشانه‌ها از آنها استفاده می‌کنند. تا جایی که برچسب‌هایی از این نشانه‌ها نیز تولید و برای کودکان در بازارها عرضه می‌شود. انگشترهای خاص، دستبندهای عجیب، گردنبندهای اسکلتی، چکمه‌های چرمی تزیین شده با فلز و با نشانه‌های خاص، لباس‌های منقش به این آرم‌ها و... در بازار به راحتی و سهولت قابل دسترسی و خرید است و متولیان امور فرهنگی کشور در اقدامی آگاهانه باید اقدام به جمع‌آوری و جلوگیری از تولید و واردات این نشانه‌ها کنند.

- نظارت بر عرضه بازی‌های رایانه‌ای: بازی‌های رایانه‌ای یکی دیگر از مصادیق نفوذ این فرقه‌ها به افکار و اعتقادات مردم است که این راه نفوذ در میان کودکان و نوجوانان بیشتر وجود دارد.

- جلوگیری از گسترش موسیقی با محوریت این فرقه‌ها: متأسفانه برخی از این فرقه‌های ضاله با استفاده از ابزار هنر موسیقی توانسته‌اند تأثیرات عمیقی بر روان و افکار جوانان بگذارند. موسیقی‌هایی که از سوی این گروه‌ها تولید می‌شود سرشار از خشونت، پوچی، بی‌هویتی و نفرت است. که در نهایت منجر به از خودبیگانگی و بروز ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. جلوگیری از گسترش این نوع موسیقی مبتذل و آشنا کردن جوانان با موسیقی ناب ایرانی از راهکارهای پیشنهادی دیگر برای مبارزه با این گروه‌هاست.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، تابستان ۱۳۹۵

منابع و مأخذ

- ۱- انبار لویی، ع. (۱۳۸۸)، بررسی مکتب اکنکار، فصل رویش ۲، سایت تخصصی ادیان و مذاهب.
- ۲- باشگاه اندیشه. (۱۳۸۸)، فرقه های نوظهور، سایت تبیان.
- ۳- پاشایی، ع. (۱۳۶۹)، فرهنگ اندیشه نو. تهران: انتشارات مازیار.
- ۴- تافلر، ا. (۱۳۷۸)، موج سوم، ترجمه: ش، خوارزمی. تهران: انتشارات نشر علم.
- ۵- حسام مظاهری، م. (۱۳۸۷)، هیئت های مذهبی عامه پسند. تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۶- خسروپناه دزفولی، ع. (۱۳۸۴)، آسیب شناسی جامعه دینی. تهران: انتشارات فرهنگ و معارف.
- ۷- رضانی ا. (۱۳۸۵)، آسیب شناسی تبلیغات دینی. تهران: سایت تبیان.
- ۸- زورق، م. ح. (۱۳۶۸)، مبانی تبلیغ. تهران: انتشارات سروش.
- ۹- شجاعی زنده، ر. (۱۳۸۷)، احتمالات عرضی شدن در ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۱۰- شریعتی، س. (۱۳۸۵)، دین و مدرنیته. متن سخنرانی در گروه جامعه شناسی دین، در انجمن جامعه شناسی ایران.
- ۱۱- شکوری، ع. (۱۳۸۸)، مکاتب انحرافی. سایت جز آنلاین.
- ۱۲- شفرز، ب. (۱۳۸۳)، مبانی جامعه شناسی جوانان. ترجمه: ک، راسخ. تهران: انتشارات نشر نی.
- ۱۳- کشوری، ع. (۱۳۸۸)، ضرورت باز شناسی فرقه ها، سایت جز آنلاین.
- ۱۴- مظاهری سیف، ح. (۱۳۸۸)، مکاتب انحرافی نوظهور، سایت جز آنلاین.
- ۱۵- وزارت کشور. (۱۳۶۷). مبانی فرهنگ غرب و سیر غرب زدگی در ایران، جزوه آموزشی مرکز مطالعات و تحقیقات، تهران.
- 16- Luckman, T. (1999). the religious situation in Europe: the background to contemporary conversions. social compass 46(3):252-258
- 17- Tschannen o. (1992). les theories de la secularization. paris: librairie droz geneve.